



The Study of Shi'a Hadith and Theological thought in the Hadith School of Ahvaz During the Early Centuries of Islam

Shadi Nafisi ¹, Ahmad Soleimani ²

Abstract: The present study examines the role and status of the Hadith school of Ahvaz during the first five centuries of Islam, focusing on its Hadith and theological thought. Given Ahvaz's geographical and strategic location in southwestern Iran and its proximity to major scholarly centers in Iraq, particularly Kufa, this region became a significant hub for the transmission and expansion of Hadith sciences and Islamic teachings. Key topics discussed include the views and scholarly approaches of prominent narrators and scholars of Ahvaz in areas such as Hadith thought and theological debates, including the issues of determinism and free will, the knowledge of the Imam, and more. Additionally, the study explores the works of Hadith scholars from this region and their role in transmitting the heritage of the Imamiyyah to later centuries. By analyzing early Islamic sources, including biographical, historical, and Hadith literature, this research seeks to answer the question of how the Hadith school of Ahvaz contributed to the history of Hadith and what its most significant Hadith and theological perspectives were. The findings indicate that the Hadith school of Ahvaz, not only in terms of the number of narrators and diversity of works but also due to its scholarly viewpoints on various theological discussions—particularly on issues such as infallibility, the knowledge of the Imam, and determinism versus free will—became a center for the exchange of Islamic thought. These intellectual and scholarly interactions, facilitated by Ahvaz's unique geographical position, helped maintain the authenticity of Hadith while fostering effective connections with other Islamic centers, ensuring its lasting influence.

Keywords: Hadith school, Ahvaz, Ali ibn Mahziar, Husayn ibn Sa'id, Kalam, determinism and free will

Submitted: 2024/6/10

Accepted: 2024/8/6

1 .Department of Quran and Hadith sciences, Faculty of Theology and Islamic studies, University of Tehran (**Corresponding author**) shadinafisi@ut.ac.ir

2 .Department of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, ahmad9164012@gmail.com

بررسی اندیشه‌های حدیثی و کلامی شیعه در حوزه حدیثی اهواز در قرون نخستین اسلام

شادی نفیسی^۱، احمد سلیمانی^۲

چکیده: پژوهش حاضر به بررسی نقش و جایگاه حوزه حدیثی اهواز در پنج قرن نخست اسلام و اندیشه‌های حدیثی و کلامی این حوزه پرداخته است. با توجه به موقعیت جغرافیایی و راهبردی اهواز در جنوب غرب ایران و مجاورت با حوزه‌های علمی عراق، خصوصاً کوفه، این منطقه به یکی از کانون‌های مهم انتقال و گسترش علوم حدیثی و معارف اسلامی تبدیل شد. از جمله مسائل اصلی مورد بحث، دیدگاه‌ها و رویکردهای علمی راویان و عالمان برجسته اهواز در زمینه‌هایی همچون اندیشه‌های حدیثی و مباحث کلامی مانند مسئله جبر و اختیار، علم امام و... و همچنین معرفی آثار محدثان این منطقه و تأثیر آن در انتقال تراث امامیه به قرون بعدی است. این پژوهش، با تحلیل آثار به‌جای‌مانده از قرون نخستین در منابع و کتب رجال، تاریخی و حدیثی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که نقش و جایگاه حوزه حدیثی اهواز در تاریخ حدیث چگونه است و مهم‌ترین اندیشه‌های حدیثی و کلامی این حوزه کدام است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حوزه حدیثی اهواز نه تنها از نظر تعداد راویان و تنوع آثار، بلکه به دلیل دیدگاه‌ها و نظرات علمی در زمینه‌های مختلف، همچون مباحث کلامی، به‌ویژه در مسائلی چون عصمت، علم امام، مسئله جبر و اختیار و...، به مرکز تبادل اندیشه اسلامی تبدیل شده است. این تعاملات فکری و علمی، به واسطه جایگاه جغرافیایی ویژه اهواز، ضمن حفظ اصالت حدیثی، موجب ارتباط مؤثر این منطقه با دیگر حوزه‌های اسلامی و تأثیرگذاری پایدار آن شد.

واژگان کلیدی: حوزه حدیثی، اهواز، علی بن مهزیار، حسین بن سعید، کلام، جبر و اختیار.

* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۲

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

shadinafisi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ahmad9164012@gmail.com

مقدمه

اهواز، شهری با پیشینه ای کهن و موقعیت جغرافیایی ویژه در جنوب غرب ایران، در دوران اولیه اسلامی به یکی از نخستین مراکز علمی و حدیثی شیعه تبدیل شد. این موقعیت به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی بین ایران و عراق و نزدیکی با مراکز علمی آن دوران مانند کوفه و بصره، شرایطی ایجاد کرد که اهواز نه تنها پذیرای آموزه های اسلامی باشد، بلکه خود به عنوان مرکز تولید و انتقال این علوم ایفای نقش کند. حضور خاندان های حدیثی مهم همچون خاندان مهزیار اهوازی و ابناء سعید اهوازی و نیز فعالیت برخی از برجسته ترین راویان و محدثان اسلامی همچون فضالة بن ایوب در این منطقه و تلاش ایشان در انتشار، انتقال و نگارش آثار حدیثی و اسلامی در موضوعات گوناگون، باعث تقویت و تثبیت جایگاه این حوزه حدیثی در میان بلاد اسلامی گردید.

اهمیت تاریخی و علمی اهواز به ویژه به دلیل حضور فعال علمای این منطقه در بیان دیدگاه های علمی درخور توجه است. عالمان و راویان اهوازی با پیگیری اصول دقیق نقل حدیث و ارائه دیدگاه های علمی،

جایگاه خود را در تاریخ اسلام تثبیت کردند. از جمله مباحث مهمی که در این حوزه طرح شده، می توان به مسأله وکالت (طوسی، ۱۴۰۹ق، النص: ۵۴۹)^۱، ابداع سبک نوین جامع نگاری با عنوان «ثلاثین نگاری» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ۲۵-۲۶)^۲ و دیدگاه های عالمان اهوازی درباره مسائل و موضوعات علمی مختلف اشاره کرد که نشان دهنده عمق تفکر و دقت علمی این حوزه است. حال این پرسش به وجود می آید که چگونه چنین منطقه ای توانست با وجود چالش های گوناگون، به یکی از مراکز حدیثی جهان اسلام تبدیل شود و جایگاهی ویژه در ارتباط با دیگر حوزه های حدیثی مانند کوفه و قم پیدا کند. پژوهش حاضر، با استفاده از منابع رجالی، تاریخی و روایی، به بررسی ساختار و تأثیرات این حوزه حدیثی در پنج قرن نخست اسلامی پرداخته و با تحلیل آثار و دیدگاه های کلیدی عالمان اهوازی، روشن می سازد که این منطقه نه تنها در استناد به احادیث، بلکه در انتشار و گسترش مبانی علمی در زمینه های گوناگون همچون حدیث و کلام اسلامی نیز نقش مهمی داشته است. هدف از این پژوهش،

۱ همچنین نک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر انمه

(ع)، ج ۲، ص ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۰۵ الی ۵۱۳

۲ همچنین نک: «مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۱۴۰۰، سال ۲۷، شماره ۶۹

روشن‌ساختن جایگاه تاریخی و علمی اهواز و بررسی دیدگاه‌های کلامی این مرکز به‌عنوان مرکز حدیثی است که نه تنها به‌عنوان یک گذرگاه جغرافیایی، بلکه به‌عنوان نقطه‌ای فرهنگی در انتقال دانش اسلامی شناخته شده و در عین حفظ اصالت‌های حدیثی، با مراکز علمی هم‌تراز خود در تعامل بوده است.

بررسی حوزه‌های حدیثی اسلامی و تعاملات علمی میان مراکز حدیثی در قرون نخست اسلام، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده و مطالعات متعددی در زمینه شناخت حوزه‌های حدیثی مختلف انجام شده است. به‌عنوان نمونه، سعید شفیعی، ابراهیم محبی، زهره نریمانی، محمدرضا جباری و رقیه ایوزخانی به ترتیب به بررسی حوزه‌های حدیثی کوفه تا پایان قرن سوم، بصره تا پایان قرن پنجم، بغداد و ری تا پایان قرن پنجم، قم تا قرن پنجم و ری تا پایان قرن سوم پرداخته‌اند. همچنین کارهای دیگری در خصوص تعدادی دیگر از حوزه‌های حدیثی همچون قیروان، بصره، جبل عامل، بحرین و... نیز به ثبت رسیده است.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده درباره این حوزه‌ها، بررسی حوزه حدیثی

اهواز در قرون نخست اسلام کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله پژوهش‌هایی که به منطقه خوزستان معطوف بوده، اثر رسایی با عنوان «حدیث و محدثان برجسته» (صاحب کتاب) خوزستان تا پایان دوره صفوی است که به معرفی راویان صاحب کتاب در این بازه زمانی پرداخته است. همچنین آثار دیگری به بررسی تاریخ تشیع در خوزستان همت گماشته‌اند که از آن جمله می‌توان به «پیدایش و پاگیری تشیع در خوزستان در سه قرن نخست هجری» از سویلمی و «نقش علمای شیعی خوزستان در پیشبرد تشیع از قرن دوم تا قرن ششم هجری» از حزابی‌زاده اشاره نمود. برخی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه نیز به برخی از اشخاص یا خاندان‌های سرشناس اهوازی، خصوصاً خاندان مهزیار اهوازی، معطوف شده است که از آن جمله می‌توان به اثر حمیدیمنش با عنوان «نقش خاندان مهزیار اهوازی در حیات فرهنگی و اجتماعی شیعه» اشاره نمود. همچنین مقاله‌ای از هدایت و خانجانی با عنوان «مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرون دوم و سوم» که به بررسی ارتباط میان این دو حوزه علمی و روابط میان عالمان و محدثان

آن بر مباحث علمی بپردازد، هنوز انجام نشده است. این مقاله با توجه به این خلأ پژوهشی و با هدف بیان دیدگاه‌های کلامی عالمان این منطقه، درصدد ارائه تحلیلی جامع از این حوزه و جایگاه دیدگاه‌های عالمان این حوزه حدیثی در میان دیدگاه‌های کلامی رایج است.

نقش جغرافیایی و راهبردی اهواز در جهان اسلام

اهواز به عنوان یکی از نخستین مناطقی که در قرون نخست اسلامی پذیرای اسلام شد (طبری، ۱۳۵۲ ش، ج ۵، ص ۱۸۸۳)، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و فرهنگ اسلامی دارد. این شهر که در جنوب غربی ایران و در نزدیکی مراکز علمی مهمی چون بصره و کوفه قرار دارد، نقش مهمی در انتقال و گسترش معارف اسلامی به ایران و سایر سرزمین‌های شرقی ایفا نمود. اهواز که به «دروازه ورود اسلام به ایران» معروف است، به واسطه همجواری با عراق و قرارگیری در مسیر ارتباطی شبه جزیره عربستان، همواره پذیرای کاروان‌های علمی و فرهنگی بوده و به مرکز مبادلات دینی و علمی تبدیل شد.

از جمله شواهد اهمیت این منطقه، عبور امام رضا (ع) از اهواز در سال ۲۰۰ هجری قمری است که به دستور مأمون

آن‌ها پرداخته است. معارف و کاظم توری نیز در مقاله‌ای با عنوان «مکتوبه‌های حدیثی در روایات امامان شیعه و نقش علی بن مهزیار در نگهداری و انتقال آن‌ها»، به بررسی نقش علی بن مهزیار اهوازی در شناسایی، نگهداری و انتقال مکتوبات حدیثی شیعه پرداخته‌اند. در آخر نیز باید به مقاله «مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع‌نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم» تألیف ندائی و هدایت پناه (۱۴۰۰) اشاره نمود که به بررسی جایگاه اهواز به عنوان یکی از مراکز حدیثی فعال در قرون دوم و سوم و نقش تألیفات راویان این حوزه در جامع‌نگاری شیعه پرداخته است. این مقاله نقش محدثان برجسته این حوزه، به ویژه حسین بن سعید اهوازی و برادرش و همچنین علی بن مهزیار اهوازی را در تدوین آثار جامع حدیثی مورد مطالعه قرار داده است.

پژوهش‌های موجود اغلب تنها به برخی از جنبه‌های حوزه علمی اهواز پرداخته یا نقش این حوزه حدیثی را در مسیر تدوین جوامع شیعه تبیین نموده‌اند، اما پژوهش جامعی که علاوه بر این قبیل مسائل، به تبیین جایگاه واقعی و مهم این حوزه علمی در جهان اسلام و رویکردهای علمی، خصوصاً کلامی این حوزه و تأثیر

عباسی و به منظور انتقال ایشان از مدینه به خراسان صورت گرفت. این عبور تاریخی که از مسیر بصره و اهواز به ایران انجام شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۴۹ و ۱۸۰)^۱، که بر اهمیت راهبردی این منطقه تأکید می‌کند و نشانی از جایگاه ویژه آن در مسیرهای ارتباطی مهم جهان اسلام است. علاوه بر این، اهواز به دلیل شرایط اقلیمی و هم‌جواری با مراکز علمی، به مرکزی برای حضور علما و محدثان تبدیل شد و بستری را فراهم آورد که به رشد و توسعه حوزه حدیثی این منطقه کمک کرد. این ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی موجب شد اهواز به یکی از مناطق مهم برای تعاملات علمی و مباحث دینی در تاریخ اسلام بدل شود و نقش مؤثری در ترویج و تبادل دانش حدیثی داشته باشد.

تاریخ شکل‌گیری حوزه حدیثی و گسترش علم حدیث در اهواز

حوزه حدیثی اهواز در قرون نخستین اسلامی، به‌عنوان یکی از مراکز حدیثی جهان اسلام شناخته شد. این حوزه با پذیرش و تعلیم احادیث، هم‌زمان با دیگر مراکز علمی و حدیثی چون قم، کوفه و بصره، جایگاه خود را به‌عنوان یکی از

پایگاه‌های نشر معارف حدیثی تثبیت کرد. در این دوران، اهواز به‌واسطه حضور گروهی از محدثان برجسته که به این منطقه منسوب بودند، به مرکزی برای تبادل و ترویج علوم حدیث تبدیل گردید. این حوزه با اتکا بر سنت‌های حدیثی اسلامی و پشتیبانی علما و محدثان برجسته همچون فضالة بن ایوب، حسین بن سعید و علی بن مهزیار و همچنین خاندان‌های علمی بزرگی همچون خاندان مهزیار و ابناء سعید اهوازی، به گسترش علوم اسلامی در زمینه‌های مختلف همچون کلام، تفسیر قرآن، اخلاق و... پرداخته و از این طریق توانست با مراکز دیگری چون قم و کوفه در تعامل علمی باقی بماند.

علاوه بر این، با توجه به اینکه اهواز به‌طور مستمر در مسیر انتقال علوم دینی میان عراق و ایران قرار داشت، این حوزه نه‌تنها به شکل‌گیری و تدوین مجموعه‌های حدیثی کمک کرد، بلکه نقش مهمی در حفظ و ترویج احادیث به‌جا گذاشت. این دستاوردها در نهایت موجب شد اهواز در قرون نخستین به‌عنوان یکی از مراکز مهم حدیث و معارف دینی اسلامی شناخته شود.

۱ همچنین نک: کافی (ط - دار الحلیث)، ج ۲، ص ۵۷۳.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۹، ص ۹۱

مهم ترین راویان و خاندان های

حدیثی اهواز

همان گونه که بیان گردید، اهواز از شهرهای مهم و قدیمی ایران بوده که در تاریخ حدیث شیعه نقش قابل توجهی، خصوصاً در قرون نخستین اسلام، ایفا نموده است. بر اساس بررسی های به عمل آمده، نام

حدود ۳۰ راوی و محدث شیعه اهوازی در کتب رجالی شیعه دیده می شود که برخی از آن ها از بزرگان و مفاخر روایی عالم تشیع محسوب می شوند. آمار محدثان اهوازی را به تفکیک دوران حضور ائمه می توان به شرح زیر بیان نمود:

ردیف	نام معصوم	اسامی محدثان اهوازی
۱	اصحاب امام صادق (ع)	* عبدالله بن نجاشی * محمد بن مخلد * یحیی بن سعید
۲	اصحاب امام کاظم (ع)	* فضاله بن ایوب * یحیی بن سعید
۳	اصحاب امام رضا (ع)	* فضاله بن ایوب * حسن بن سعید * حسین بن سعید * علی بن مهزیار * اسحاق بن ابراهیم حنظلی * عبدالله بن محمد بن حصین * ابویحیی اهوازی
۴	اصحاب امام جواد (ع)	* حسن بن سعید * علی بن مهزیار * اسحاق بن ابراهیم حنظلی * ابویحیی اهوازی * احمد بن حسین بن سعید * حسن بن علی بن مهزیار * محمد بن ابراهیم حنظلی * ابو الحصین بن الحصین * محمد بن جعفر بن عنبسه * حسین بن سعید * ابراهیم بن مهزیار * عبدالله بن محمد بن حصین * ابوالحصین بن حصین حنظلی * داود بن مهزیار * حسن بن محمد بن مهزیار * حمدان بن ابراهیم حنظلی * جعفر بن یحیی بن سعد
۵	اصحاب امام هادی (ع)	* حسین بن سعید * احمد بن حسین بن سعید * حسن بن علی بن مهزیار * محمد بن جعفر بن عنبسه * محمد بن حسن بن علی بن مهزیار * موسی بن محمد حنظلی * علی بن مهزیار * ابراهیم بن مهزیار * ابو الحصین بن الحصین * محمد بن علی بن مهزیار
۶	اصحاب امام حسن عسکری (ع)	* ابراهیم بن مهزیار * احمد بن محمد بن ابراهیم حنظلی * علی بن ابراهیم بن مهزیار * محمد بن جبرئیل * محمد بن حسن بن علی بن مهزیار
۷	روایان دوران غیبت صغری و پس از آن	* علی بن ابراهیم بن مهزیار * احمد بن محمد بن ابراهیم حنظلی * عمرو اهوازی * علی بن احمد بن مهزیار

	* محمد بن جبرئیل	* احمد بن محمد بن هارون
--	------------------	-------------------------

علاوه بر این باید ذکر نمود که سه خاندان حدیثی در اهواز حضور داشته‌اند که عبارتند از خاندان ابناء سعید اهوازی، خاندان مهزیار اهوازی و آل حضین. در این میان خاندان مهزیار اهوازی از شهرت بیشتری برخوردار است و اعضای اصلی این خاندان نقش مهمی در صحنه‌های مختلف خصوصاً در سازمان وکالت پایه‌ریزی شده توسط ادمه اطهار (ع) ایفا نموده‌اند. علی بن مهزیار اهوازی از برجسته‌ترین محدثان این خاندان است که با تکیه بر دانش حدیث و تفسیر، به یکی از نام‌آورترین علمای حدیثی زمان خود تبدیل شد (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۳۶۰؛ همو، ۱۴۲۰ق، النص: ۲۶۵). آل مهزیار با جمع‌آوری و تدوین آثار حدیثی و انتقال آن‌ها به دیگر مراکز اسلامی، سهم بسزایی در رشد و توسعه معارف حدیثی شیعه در اهواز داشته‌اند. نفوذ و احترام علمی این خاندان موجب شد که آثار و روایت‌های آنان در حوزه‌های دیگر نیز مورد استقبال قرار گیرد و اهواز را به یکی از مراکز ترویج

دانش‌های گوناگون علمی تبدیل کند.^۱

مشخصه‌های علمی حوزه حدیثی اهواز

حوزه‌های مختلف حدیثی در دوران‌ها و مناطق گوناگون، ویژگی‌ها و دیدگاه‌های علمی خاص خود را داشته‌اند که در برخی موارد کاملاً همسو و گاه در تضاد با یکدیگر بوده‌اند. مشخص کردن ویژگی‌ها و دیدگاه‌های علمی حوزه حدیثی اهواز به منظور بررسی نظرات آن در موضوعات مختلفی همچون حدیث، کلام و... امری ضروری است. در این بخش، دیدگاه‌های محدثان و راویان اهوازی درباره مسائل گوناگون بررسی می‌شود.

ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حدیثی

حوزه حدیثی اهواز در قرون اولیه اسلامی تأثیر مهمی در پیشبرد موضوعات حدیثی داشته است. این حوزه با جمع‌آوری و تدوین روایات معصومین (ع)، جامع‌نگاری و اهمیت به مکتوبه‌های حدیثی، نقشی مهم در حفظ و انتقال میراث حدیثی ایفا نموده که به صورت دقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جمع‌آوری و تدوین روایات و احادیث

۱ نک: «نقش خاندان مهزیار اهوازی در حیات فرهنگی و اجتماعی شیعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، ۱۳۹۸.

یکی از ویژگی های اصلی حوزه حدیثی اهواز، توجه ویژه به گردآوری و تدوین احادیث اهل بیت (ع) است. عالمان اهوازی مانند حسین بن سعید اهوازی، فضالة بن ایوب و علی بن مهزیار اهوازی، با جمع آوری گسترده روایات، نقش کلیدی در حفظ میراث حدیثی داشتند. این جمع آوری ها شامل موضوعات مختلفی از فقه و کلام تا روایات تفسیری بوده و باعث شد که این روایات به عنوان منابع معتبر در جوامع شیعی شناخته شوند. به عنوان نمونه، نام حسین بن سعید در سلسله سند بیش از ۵۸۰۰ روایت از مجموع کتب اربعه شیعه دیده می شود. همچنین نام فضالة بن ایوب در سند بیش از ۱۳۰۰ روایت و نام علی بن مهزیار در سند حدود ۷۰۰ روایت^۱ از روایات کتب اربعه شیعه دیده می شود. در زمینه تدوین روایات نیز باید توجه نمود که با جستجو در کتب روایی و رجال، ۹۵ عنوان کتاب در موضوعات مختلف علمی همچون فقه، تفسیر قرآن، اخلاق و ... از ۹ راوی حوزه حدیثی اهواز یافت می شود.^۲ این آمار بیانگر همت و تلاش حداکثری راویان و محدثان حوزه حدیثی اهواز جهت

جمع آوری و انتقال میراث حدیث شیعه در طول تاریخ می باشد.

جامع نگاری

عالمان حوزه حدیثی اهواز برای ساماندهی و یکپارچه سازی احادیث، به نگارش کتب جامع اقدام کردند. مهمترین نمونه آن «کتب ثلاثین» است که توسط حسن و حسین بن سعید اهوازی تدوین شد و شامل سی کتاب مختلف در موضوعات فقهی، اعتقادی، اخلاقی، تفسیری و ... است که نجاشی در رجال خود عنوان و ترتیب این کتب را بدین صورت بیان داشته است: کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب المعتق و التدبیر و المكاتبه، کتاب الأیمان و النذور، کتاب التجارات و الإجازات، کتاب الخمس، کتاب الشهادات، کتاب الصيد و الذبائح، کتاب المكاسب، کتاب الأثرية، کتاب الزیارات، کتاب التقیة، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب الزهد، کتاب المروءة، کتاب حقوق المؤمنین و فضلهم، کتاب تفسیر القرآن، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب الحدود، کتاب الدیات، کتاب الملاحم، کتاب الدعاء (نجاشی،

۲ برای نمونه نک: رجال النجاشی، ص ۳۷۶، ۳۱۰، ۳۱۱،

۲۵۳، ۵۸، ۲۲۷

۱ آمار ارائه شده بر اساس اطلاعات دریافتی از نرم افزار درایه النور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی می باشد.

۱۳۶۵ش، ۵۸) این اثر که به عنوان سبکی نوین در جامع‌نگاری محسوب می‌شود، نه تنها برای دسته‌بندی احادیث بلکه به عنوان الگویی برای جامع‌نگاری در حدیث شیعه شناخته می‌شود و بعدها توسط دیگر علمای حوزه‌های حدیثی شیعه نیز به کار گرفته شد.^۱ از جمله عالمانی که از روش جامع‌نگاری به سبک «کتب ثلاثین» پیروی نمود، علی بن مهزیار اهوازی است که در کتب رجال، کتبی مانند کتب ثلاثین برای وی ذکر شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۵۳). این اقدام از سوی علی بن مهزیار بیانگر نقش مهم و تأثیرگذار حوزه حدیثی اهواز در استمرار جامع‌نگاری تاریخ حدیث شیعه می‌باشد.

اهمیت به مکتوبه‌های حدیثی

عالمان اهوازی به روش کتابت در انتقال و ثبت احادیث توجه ویژه‌ای داشتند. با توجه به شرایط خاص آن دوران و نیاز به حفظ دقیق متون، آنان روایات را به صورت مکتوب و منظم به نسل‌های بعد منتقل کردند. این روش به‌خصوص برای حفظ اصالت احادیث و جلوگیری از نقل شفاهی و احتمالات خطا در انتقال، اهمیتی

دوچندان داشت. در این خصوص می‌توان به دو مکتوبه مهم در تاریخ حدیث شیعه با عناوین «رسالة عبدالله بن النجاشی» یا «رسالة الاهوازية» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰۷-۲۱۲) و «رسالة جبر و اختیار» که امام هادی (ع) در پاسخ به پرسش‌های اهالی اهواز در پی پدیدآمدن مناقشات پیرامون مسأله جبر و تفویض نگاشته‌اند اشاره نمود (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، النص: ۴۵۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۴۵۰). همچنین کتبی با عناوین «مسائل» در این زمره قرار می‌گیرند که از جمله آن می‌توان به «مسائل للرضا» منسوب به عبدالله بن محمد بن حصین حضینی، از راویان اهوازی اشاره نمود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۲۷). علاوه بر این، باید به نقش بسیار مهم شخصیت برجسته اهوازی، علی بن مهزیار اشاره نمود که علاوه بر ایفای نقش در گسترش و صدور مکتوبه‌های حدیثی، نقش بسیار مهمی در حفظ و انتقال این مکتوبه‌ها در تاریخ حدیث شیعه داشته است (میانجی، ۱۴۳۱ق، ۵: ۱۳۸ و ۱۶۵).^۲ ابراهیم بن مهزیار اهوازی و فرزندش محمد نیز دارای

۱ برای نمونه نک: فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (للطوسي) (ط - الحديث)، النص، ص ۴۰۸، ۲۴۳، ۵۱۱، ۴۰۶، ۴۱۲

۲ نک: معارف، مجید، کاظم توری، سعیده، «مکتوبه‌های حدیثی در روایات امامان شیعه و نقش علی بن مهزیار در نگهداری و انتقال آن‌ها»، دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی، ۱۴۰۰، سال ۱۳، شماره ۲۵، ص ۵۵-۷۴

مناظرات با گروه‌های مخالف نیز بود که در دفاع از آرای ائمه اطهار(ع) و توضیح مسائلی کلامی مانند علم امام، تفویض و شئون ربوبی، عصمت و سهو النبی، تشبیه و تجسیم، جبر و اختیار انجام می‌شد.

در میان این مباحثات، حوزه حدیثی اهواز نیز دارای دیدگاه‌های خاص خود بوده است. راویان این حوزه با استفاده از روایات اهل بیت(ع) و برخورداری از آرای محدثان برجسته شیعه، در موضوعات کلامی مختلف مانند مسائل «غلو»، «علم امام»، «تفویض»، «عصمت» و سایر مباحث کلامی، دیدگاه‌های خود را بیان کرده و به ثبت رساندند.

مسئله غلو

در تاریخ شیعه، غالبان به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که در مورد مقام ائمه(ع) از حد معمول و پذیرفته‌شده در متون دینی فراتر رفته و به آن‌ها ویژگی‌هایی همچون الوهیت یا استمرار وحی نسبت می‌دهند (حاجی‌زاده، ۱۳۹۴ش، ص ۶۶). یکی از شخصیت‌های مهم در تاریخ غلات، عبدالله بن سبأ بود که برخی از عقاید افراطی را درباره حضرت علی(ع) مطرح

مکتوبه‌هایی هستند که در کتب روایی و رجالی به ثبت رسیده‌اند (میانجی، ۱۴۳۱ق، ۶: ۳۳۱)^۱

از دیگر موارد مرتبط با مسائل حدیثی که مورد توجه علما و محدثان حوزه حدیثی اهواز بوده می‌توان به مواردی همچون عدم نیاز به اسناددهی و توجه به عنصر تقیه در صدور روایات اشاره نمود.^۲

ویژگی‌ها و دیدگاه‌های کلامی

مسائل کلامی از مهم‌ترین موضوعات علمی در تاریخ اسلام به شمار می‌روند که در میان راویان و محدثان شیعه، چه در درون مکتب شیعه و چه در مواجهه با دیگر مذاهب و ادیان، مباحثات و تضارب آرای زیادی را به خود اختصاص داده است. این مسائل در قرون نخستین اسلامی به ویژه در قالب مناظرات و مباحثات، ابعاد مختلفی از اعتقادات شیعه را روشن کردند. علمای شیعه در حوزه‌های حدیثی مختلف با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت(ع) و استفاده از استدلال‌ات عقلی، تلاش‌های فراوانی برای حفظ و نشر اعتقادات اصیل شیعی انجام دادند. این تلاش‌ها علاوه بر نگارش کتب، شامل

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۰۹ - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص ۲۲۴

۱ برای مشاهده نمونه‌های بیشتر نک: مکاتیب الاثمه، ج ۶، ص ۳۲۵ و ج ۷، ص ۱۹

۲ برای نمونه‌ای از این روایات نک: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۲، ص ۴۱۰ - علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۱.

کرد، از جمله اینکه ایشان را در حد خداوند بالا برد (طوسی، ۱۴۰۹ق، النص: ص ۱۰۷). بسیاری از فرقه‌نگاران مانند ابوحاتم رازی به‌ویژه به تبیین اعتقادات غالیان پرداخته و این گروه‌ها را به‌عنوان یکی از تهدیدات جدی در تاریخ تشیع معرفی کرده‌اند (رازی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۵۰).

در برابر این جریان‌ها، ائمه اهل بیت(ع) به‌طور مداوم در سخنان خود به‌شدت با غلو و زیاده‌روی در اعتقادات درباره شخصیت خود و دیگر ائمه(ع) مخالفت کردند. امام صادق(ع) به‌ویژه در برابر عقاید عبدالله بن سبأ و کسانی که به‌طور مشابه امام علی(ع) را در مقام خداوند می‌دیدند، مواضع قاطعی اتخاذ کردند. در یکی از گزارش‌ها آمده است که امام صادق(ع) ضمن لعن عبدالله بن سبأ، امام علی(ع) را بنده‌ای مطیع و عبد خداوند معرفی کردند (طوسی، ۱۴۰۹ق، النص: ص ۱۰۷).

عقاید غلات که بعدها توسط برخی از فرق اسلامی دیگر نیز پذیرفته شد، به‌طور گسترده‌ای توسط علمای شیعه و به‌ویژه محدثان اهوازی نقد و رد شدند. محدثان اهوازی همچون علی بن مهزیار و حسین بن سعید در این زمینه نیز به‌طور

فعال با ترویج احادیث صحیح اهل بیت(ع) و نقد عقاید غالیانه، به دفاع از اصول تشیع پرداخته و افکار غالیانه را محکوم کرده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز در این زمینه، روایت نقل شده از علی بن مهزیار در کتاب «رجال کشی» است که در آن، امام جواد(ع) ابوالخطاب و پیروان او را لعن می‌کنند و آن‌ها را به‌دلیل اعتقادات غالیانه‌شان مورد انتقاد قرار می‌دهند (طوسی، ۱۴۰۹ق، النص: ص ۵۲۸).

ایشان علاوه بر نقد و رد عقاید غلوآمیز، توجه ویژه‌ای به آثار مکتوب داشتند. از جمله، شیخ طوسی و نجاشی در کتب رجالی خود به این نکته اشاره کرده‌اند که محدثان اهوازی کتبی در رد عقاید غلات نگاشته‌اند که در آن، نه تنها افکار غالیانه نقد شده، بلکه اصول اعتقادی شیعه نیز به‌طور روشن و مستند مطرح گردیده است. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «الرد علی الغالية» و «الرد علی الغلاة» که توسط حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار اهوازی نگارش شده، اشاره نمود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۵۸ و ۲۵۳).

در نهایت باید گفت که گرچه در کتب تاریخ و رجال، به حضور جدی غالیان در اهواز اشاره‌ای نشده است، اما

دقت و توجه محدثان اهوازی به این مسئله و تبیین دیدگاه های اصولی شیعی در برابر اندیشه های غلوآمیز، نشان دهنده دیدگاه وسیع و حساسیت علمی این منطقه نسبت به تهدیدات کلامی و فکری در عالم تشیع است.

علم امام و منابع آن

موضوع علم امام یکی از مسائل کلیدی و بحث برانگیز در کلام شیعه است که از زمان امام صادق (ع) آغاز و به ویژه در دوران امام جواد (ع) مورد توجه ویژه قرار گرفت. در این دوران به ویژه به دلیل سن کم امام جواد (ع)، این مسأله به اوج خود رسید و اختلافات زیادی در میان شیعه در مورد گستره و شیوه علم امام ایجاد شد و موجب شکل گیری دو دیدگاه اصلی گردید. گروهی که اکثریت جریان هشام بن حکم را تشکیل می دادند، معتقد به انقطاع وحی (چه وحی نبوتی و چه غیر نبوتی) بعد از پیامبر اکرم (ص) بوده و علم امام را محدود به میراث مکتوب و آموزش های نسل به نسل دانسته است و بدین ترتیب به نظر آنان علم امام به طور مستقل از وحی نبوتی نبوده و از طریق رأی و قیاس نیز قابل دریافت است. در این دیدگاه، علم امام به طور کلی به عنوان یک علم محدود و اجمالی در نظر گرفته می شود که به مرور زمان باید از طریق اجتهاد امام ها تفصیل یابد.

در مقابل این گروه، جریان هشام بن سالم جوالیقی قرار داشت که معتقد به «وحی غیر نبوتی» بودند، بدین معنا که پس از وفات رسول خدا (ص)، تنها وحی نبوتی منقطع شده است و ائمه (ع) همچنان از طرق دیگری مانند الهام، نقر (وارد شدن در گوش امامان) و نکت (القای در قلب امامان) می توانند علم دریافت کنند. در این نظریه، امامان (ع) به عنوان «محدث» شناخته می شوند که از طریق فرشتگان یا الهام های مستقیم از خداوند، علم را دریافت می کنند و این علم ادامه دهنده علم پیامبران است (گرامی، ۱۳۹۱ش، سراسر کتاب).

میراث علمی ائمه

در دیدگاه محدثان اهوازی، «میراث علمی ائمه» یکی از اصول اساسی در فهم علم امام به شمار می رود. آن ها بر این باور بودند که علم امامان به ویژه علم پیامبر اسلام (ص) و دیگر انبیا و اوصیای پیش از ایشان از طریق «وراثت» منتقل می شود. بر اساس این نگرش، ائمه (ع) به عنوان وارثان علم پیامبر (ص) شناخته می شوند و این علم به طور مستمر از امامی به امام بعدی منتقل می شود.

در این زمینه، روایاتی در میان محدثان اهوازی دیده می شود که به این موضوع اشاره دارند. به عنوان نمونه، در

روایت‌هایی که از فضالة بن ایوب و حسین بن سعید آمده، امام صادق (ع) به صراحت بیان می‌کنند که ائمه (ع) علم پیامبر (ص) و تمام انبیا و اوصیای پیش از خود را به ارث برده‌اند. امام صادق (ع) در این روایات علم را به عنوان یک میراث معرفی کرده و آن را از پیامبر (ص) به امام علی (ع) و از او به دیگر ائمه (ع) منتقل می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۵). این دیدگاه به‌ویژه در گزارش‌هایی که در ابواب «أَنَّ الْأَئِمَّةَ ع وَرَثَةُ الْعِلْمِ يَرِثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْعِلْمَ» و «أَنَّ الْأَئِمَّةَ وَرَثُوا عِلْمَ النَّبِيِّ وَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» در کتب روایی ذکر شده، در میان محدثان اهوازی مطرح است که نشان‌دهنده اهمیت میراث علمی در انتقال علم امامان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۱ و ۲۲۵).

گسترده‌ی علم امام

یکی دیگر از ابعاد مهم علم امام که در میان محدثان اهوازی به آن پرداخته شده، گسترده‌ی علم امام است. محدثان اهوازی به‌ویژه امامان معصوم (ع) را دارای علمی بی‌پایان و کامل می‌دانستند که شامل آگاهی از ضمائر، حوادث آینده و حتی آجال مردم می‌شود. در برخی از روایات

آمده است که امامان می‌توانند درون مردم را درک کرده و از نیت و ضمیر آن‌ها آگاه شوند. به عنوان نمونه، در روایت‌هایی که توسط حسین بن سعید و فضالة بن ایوب نقل شده، امام باقر (ع) می‌فرمایند: «أَوَّلُ كَانٍ لَا لَسْتِيكُمْ أَوْكِيَّةٌ لَحَدَّثْتُ كُلَّ امْرِئٍ بِمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۴)، که نشان‌دهنده علم امام به ضمائر و اسرار مردم است. امامان (ع) به واسطه این علم قادرند به مسائل مربوط به سود و زیان افراد آگاهی دهند، ولی به دلایلی چون حفظ مصلحت و تدبیر، این اطلاعات را فاش نمی‌کنند. همچنین در گزارشی دیگر، امام باقر (ع) به‌طور صریح بیان می‌کنند که امامان (ع) مخزن علوم انبیاء و ملائکه هستند و هیچ چیزی از علوم الهی از آنان پنهان نمی‌ماند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۵۵). از جمله دیگر راویان حوزه علمی اهواز که در این زمینه روایاتی از ایشان در کتب روایی ذکر شده، می‌توان به احمد بن حسین بن سعید و محمد بن ابراهیم بن مهزیاری اهوازی اشاره نمود.^۱

منابع دریافت علم امام

در خصوص منبع علم امام، دو دیدگاه عمده وجود دارد: یک گروه معتقد به انقطاع

۱ برای نمونه نک: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۲۵۳

هر گونه وحی (چه نبوتی و چه غیر نبوتی) پس از رسول خدا (ص) هستند، در حالی که گروه دیگر تأکید دارند که علم امام همچنان از طرق مختلف مانند الهام و وحی غیر نبوتی قابل دریافت است. محدثان اهوازی در خصوص منبع دریافت علم امام دو دیدگاه اساسی دارند: یکی از این منابع، وراثت از پیامبر اسلام (ص) است که از طریق آن امامان (ع) علم را به طور مستقیم از پیامبر (ص) و پیش از او از انبیا به ارث می برند. دیگر منبع دریافت علم امام، الهام و القای مستقیم از خداوند و فرشتگان است. در این زمینه، روایاتی از محدثان اهوازی همچون عبدالله نجاشی، فضالة بن ایوب و حسن بن سعید نقل شده است که تأکید دارند امامان (ع) به عنوان «محدث» معرفی شده و از طرقی همچون نقر (وارد شدن در گوش امامان) و نکت (القای در قلب امامان) و همچنین از طریق فرشتگان، علم خود را دریافت می کنند (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۱۶).^۱ در یکی از این گزارش های مهم، حرث نضری چنین نقل شده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي عَنْ عِلْمِ عَالِمِكُمْ أَ حِكْمَةً تُقَدِّفُ فِي صَدْرِهِ أَوْ وَرَائَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَوْ نَكْتُ يَنْكُتُ فِي أُذُنِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع

ذَاكَ وَذَاكَ ثُمَّ قَالَ وَرَائَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عِلْمٌ يَسْتَعْنِي بِهِ عَنْ النَّاسِ وَلَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْهُ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۲۶). در واقع این علم، علمی است که مستقل از علم بشری و از طرق وحی و الهام الهی به طور خاص در اختیار ائمه (ع) قرار می گیرد. امام باقر (ع) نیز در مورد علم امام، به طور صریح اشاره می کنند که امامان (ع) توسط فرشتگان حدیث و علم دریافت می کنند و از همین رو، آن ها هیچ گاه به خطا نمی روند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۷۱).^۲

تفویض و شئون ربوبی در دیدگاه عالمان اهوازی

مسأله تفویض و شئون ربوبی یکی از موضوعات کلامی حساس در تاریخ اسلام، به ویژه در میان گروه های مختلف امامیه، به شمار می آید. این موضوع، به ویژه در ارتباط با اعتقادات غالیانه درباره الوهیت امامان و تفویض امور تکوینی مانند خلق، رزق، احیا و امانت، به طور ویژه مطرح شده است. در این زمینه، جریان های غالی به طور عمده به الوهیت انبیاء و امامان اعتقاد داشته و آن ها را در مقام خداوند می دیدند، به طوری که از نظر این گروه ها امامان (ع) دارای شئون ربوبی نظیر تصرف

۱ همچنین نک: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص ۵۹ و ج ۴۷، ص ۳۴.

۲ برای مطالعه نمونه بیشتر نک: بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۱۶.

در خلقت، آفرینش، و تدبیر امور عالم بودند. یکی از نمونه‌های بارز این اندیشه‌ها، اعتقاد به «حی لا یموت» بودن امامان است، که به معنای این است که امامان هرگز نمی‌میرند و پس از مرگ ظاهری، روحشان به آسمان‌ها عروج می‌کند.

در مقابل این دیدگاه‌های غالیانه، دیدگاه‌های غالب در میان امامیه و به‌ویژه در حوزه حدیثی اهواز، تفاوت اساسی در اعتقاد به تفویض شئون ربوبی دارند. جریان‌های غیرغالی مانند جریان هشام بن سالم جوالبقی، تفویض قدرت و شئون ربوبی به امامان را رد کرده‌اند، اما در عین حال به برخی از قدرت‌های خاص امامان در امور تکوینی مانند تصرف در زمین و آسمان، قدرت طی الارض، و توانایی‌های خارق‌العاده در راستای هدایت و اصلاح امور عالم اعتقاد داشته و عبارت روایت «نزلونا عن الربوبية و قلتم فينا ما شئتم» را شعار محوری خود قرار داده بودند. به همین ترتیب، این جریان‌ها بر تفاوت میان «وحی نبوتی» و «وحی غیر نبوتی» تأکید داشتند و معتقد بودند امامان همچنان از منابع الهی علم می‌آموختند، اما این علم از نوع نبوتی نبود (گرامی، ۱۳۹۱ش، ۱۵۵-۲۱۰).

در حوزه حدیثی اهواز، روایات متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده مواضع واضح و روشن امامان در خصوص تفویض شئون ربوبی و تصرف در امور تکوینی است. به عنوان نمونه، در روایت‌هایی که از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده و در آن‌ها افرادی نظیر حسن بن سعید و حسین بن سعید اهوازی نیز جزء راویان حضور دارد، ایشان ضمن بیان جایگاه خاص خود در خلقت، قدرت تصرف در امور دنیوی نظیر بارش باران، رویش گیاهان، و جاری شدن انهار را به‌واسطه امامان (ع) می‌دانند، اما با این حال تأکید می‌کنند که امامان در مقام خالق یا ربوبی قرار ندارند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۴ و ۲۶۹). همچنین، در گزارشی دیگر از امام باقر (ع) تصریح می‌شود که امامان (ع) تنها خزنه‌داران علم خداوند و حجج الهی بر مردم هستند، نه آنکه خود خداوند یا ربوبی باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۹۲). این گزارش‌ها به‌طور صریح نشان می‌دهند که امامان در حالی که در امور دینی و هدایت مردم از علم خاصی بهره‌مند هستند، اما هیچ‌یک از شئون ربوبی نظیر خلق، رزق، و تدبیر امور جهان را به‌طور مستقل در اختیار ندارند. همچنین گزارش‌های متعدد راویان اهوازی همچون

۲۴۱-۲۴۵). این رویکرد به ویژه در مورد مسأله نماز و سهو در آن به طور صریح در بسیاری از روایات نقل شده است.

در میان عالمان حوزه حدیثی اهواز، این پذیرش موضوع سهو النبی به وضوح در روایات موجود مشاهده می شود. در یکی از این روایاتی که علامه مجلسی به نقل از تهذیب الاحکام در باب «سهو و نومه عن الصلاة» آورده و نام حسین بن سعید اهوازی در سلسله سند آن آمده، از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر (ص) در نماز ظهر دو رکعت اول را از روی سهو خواند و سپس به طور صحیح نماز را ادامه داده و دو سجده سهو به جای آورده اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷: ۱۰۴). این روایت به طور صریح به مسأله سهو النبی پرداخته و نشان می دهد که پیامبر اسلام (ص) در بعضی شرایط ممکن است از روی فراموشی یا اشتباه عمل کند، اما این اشتباهات در امور شرعی و در مواردی که پیامبر به طور مستقیم در معرض وحی و هدایت الهی قرار دارد، هیچ گاه موجب خطای دینی نمی شود. در این روایت، همچنین توضیح داده شده که پیامبر (ص) پس از شناسایی سهو، آن را جبران کرده و نماز را تکمیل

ابناء سعید اهوازی، علی و ابراهیم بن مهزیار اهوازی در ابواب مربوط به موالید ائمه و اشاره به مسأله وفات و قبض ایشان در تقابل با اندیشه غالبانه «حی لایموت» بودن ائمه می باشد.^۱

عصمت و سهو النبی

مسأله عصمت و سهو النبی از جمله موضوعاتی است که در تاریخ کلامی امامیه بحث های فراوانی را به خود اختصاص داده است. یکی از ویژگی های اندیشه های غالبانه در میان فرقه های مختلف این است که سعی در انکار سهو النبی دارند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۶۰) و به طور کلی از پذیرفتن امکان ارتکاب خطا یا نسیان از سوی پیامبر اسلام (ص) خودداری می کنند.

در مقابل این دیدگاه ها، اکثریت محدثان امامیه، به ویژه در مکتب های مختلف امامیه همچون مکتب هشام بن سالم جوالیقی، سهو النبی را به عنوان یک موضوع پذیرفته اند. این گروه ها بر این باورند که پیامبر اسلام (ص) به عنوان یک انسان معصوم، از ارتکاب گناهان بزرگ مصون است، اما در امور عادی مانند فراموشی یا اشتباهات غیر عمدی، امکان سهو از او وجود دارد (گرامی، ۱۳۹۱ش،

۱ برای نمونه نک: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۵۷

و ۴۶۱ و ۴۶۳ و ۴۶۸ و ۴۷۲ و ۴۷۵ و ۴۶۸ و ۴۹۷

می‌کنند. این نکته حائز اهمیت است که سهو پیامبر (ص) در این شرایط، نه تنها در حوزه دینی بلکه در امور عادی نیز ممکن است، و این پذیرش سهو به هیچ وجه به جایگاه عصمت پیامبر (ص) لطمه وارد نمی‌کند.

در نهایت، می‌توان گفت که محدثان اهوازی بر اساس روایات و آموزه‌های اهل بیت (ع)، به پذیرش سهو النبی اعتقاد دارند و آن را نه تنها در راستای تقویت جایگاه عصمت پیامبر (ص) بلکه به عنوان بخشی از انسانیت پیامبر (ص) می‌دانند. این رویکرد در مقابل دیدگاه‌های غالبانه‌ای قرار دارد که سعی در انکار سهو النبی دارند.

تشبیه و تجسیم

مسأله تشبیه و تجسیم از مباحث کلیدی کلامی است که در قرون اولیه اسلامی به‌ویژه در مناطق بغداد و قم در اوج خود بوده و دیدگاه‌های مختلفی را به وجود آورده است. گروه‌هایی مانند مشبهه و مجسمه، با قائل شدن به تشابه میان خداوند و مخلوقات یا قائل بودن به جسمیت خداوند (مشکور، ۱۳۷۹ش، ۱۸۳؛ همو، ۱۳۷۵ش، ۱: ۳۹۰)، موجب شکل‌گیری

شباهات گسترده‌ای در توحید اسلامی شدند. این گروه‌ها معتقد بودند خداوند دارای اعضا و اندامی مشابه انسان است یا در مکانی خاص مستقر شده است، که به شدت با آموزه‌های توحیدی در تضاد بود.

در حوزه حدیثی اهواز، راویان و محدثان این منطقه همچون حسن بن سعید، حسین بن سعید و علی بن مهزیار اهوازی با ثبت و نقل روایات ائمه (ع)، نقش مهمی در مبارزه با اندیشه‌های تشبیه و تجسیم ایفا کردند. یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها در این زمینه، روایت حسین بن سعید اهوازی است که از امام صادق (ع) نقل کرده است. در این روایت، امام (ع) به صراحت معتقدان به این باورها را رد کرده و بیان می‌کنند که خداوند نه داخل چیزی است، نه خارج از چیزی، و نه شبیه به هیچ‌یک از مخلوقاتش است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۲۸).^۱ این دیدگاه کاملاً در تضاد با اندیشه‌های مشبهه و مجسمه قرار دارد. یکی دیگر از گزارش‌های مهم در این زمینه مربوط به علی بن مهزیار اهوازی است که از امام جواد (ع) در خصوص نماز خواندن پشت سر کسانی که به تجسیم اعتقاد دارند سؤال کرده است:

۱ برای مشاهده نمونه‌های دیگر نک: الکافی (ط) -

الإسلامية)، ج ۱، ص ۸۸ و ج ۱، ص ۱۰۸

«عَلَى بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعِ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَصْلَى خَلَفَ مَنْ يَقُولُ بِالْجِسْمِ وَمَنْ يَقُولُ بِقَوْلِ يُونُسَ يَعْنِي ابْنَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَكَتَبَ ع لَا تَصَلُّوا خَلْفَهُمْ وَلَا تُعْطَوْهُمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَابْرَأُوا مِنْهُمْ بَرَى اللَّهُ مِنْهُمْ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، النص: ۲۷۷) که همان- طور که مشخص است امام جواد (ع) در پاسخ فرموده اند که نباید پشت سر چنین افرادی نماز خوانده شود و باید از آنان دوری جست.^۱

لذا باید گفت عالمان حوزه حدیثی اهواز علاوه بر نقل این روایات، با تدوین و نشر آن ها نقش به سزایی در دفاع از اصول توحید و مقابله با اندیشه های انحرافی داشتند. این فعالیت ها نشان دهنده موضع روشن و قاطع عالمان اهوازی در برابر تشبیه و تجسیم و اهتمام آن ها به تقویت بنیان های فکری تشیع است.

مسأله جبر و اختیار

موضوع جبر و اختیار یکی از مباحث مهم کلامی است که از دیرباز مورد توجه عالمان اسلامی بوده و در میان امامیه نیز جایگاه ویژه ای داشته است. یکی از گزارش های مهم در این زمینه، نامه امام

هادی (ع) خطاب به اهالی اهواز و درصدد پاسخ گویی به سؤالات اهالی اهواز در خصوص جبر و اختیار است. امام هادی (ع) در این نامه با رد دیدگاه های جبرگرایانه و تفویض گرایی، نظریه «امر بین الامرین» را ارائه می دهند که موضع رسمی امامیه را در این زمینه نشان می دهد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، النص: ۴۵۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۴۵۰). بر اساس این نظریه، خداوند اراده و اختیار انسان را به رسمیت می شناسد، اما این اختیار در چارچوب اراده و مشیت الهی قرار دارد. به عنوان نمونه، امام (ع) در توضیح دیدگاه خود به مثالی از مالک و عبد اشاره می کنند که عبد وظیفه دارد از دستورات مالک خود پیروی کند، اما در عین حال، اختیار عمل به این دستورات به او واگذار شده است. این مثال نشان دهنده تأکید امام بر تعادل میان اختیار انسان و اراده الهی است. این نظریه نه تنها جبرگرایی را که انسان را فاقد اراده می داند، رد می کند، بلکه با تفویض نیز که اختیار کامل و مستقل انسان را مطرح می سازد، مخالفت دارد.

علاوه بر این، راویان اهوازی در انتقال و تدوین روایات مرتبط با جبر و اختیار

۱ جهت مشاهده نمونه های بیشتر از روایات راویان اهوازی

در این زمینه نک: الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۸۲،

نقشی برجسته داشته‌اند. برای نمونه، در سلسله اسناد روایات مرتبط با جبر و اختیار، نام حسین بن سعید اهوازی به چشم می‌خورد که در یکی از این روایات که توسط امام صادق (ع) نقل شده، تأکید شده که خداوند بندگان را به اندازه توانایی‌هایشان مکلف می‌کند و هر عملی که از قدرت انسان خارج باشد، مشمول تکلیف الهی نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۶۲). این دیدگاه، نقدی صریح بر نظریه جبرگرایی است که انسان را در برابر افعال خود فاقد اراده می‌داند.

در روایتی دیگر، امام صادق (ع) توضیح می‌دهند که افعال انسان نه کاملاً مستقل از خداوند است و نه تحت اجبار کامل، بلکه در نظامی هماهنگ با اراده و مشیت الهی رخ می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۹). این دیدگاه، نظریه «امر بین الامرین» را به‌طور دقیق تبیین می‌کند و به‌ویژه بر مسئولیت انسان در قبال اعمالش تأکید دارد. این روایت، که توسط فضالة بن ایوب و حسین بن سعید نقل شده، نشان‌دهنده تأیید و تأکید محدثان اهوازی بر دیدگاه «لَا جَبَرَ وَلَا تَقْوِيضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ» است.

در نهایت باید گفت دیدگاه محدثان اهوازی در موضوع جبر و اختیار، بر پایه

روایات اهل بیت (ع) استوار بوده و نظریه «امر بین الامرین» را به‌عنوان تبیینی جامع و متعادل از این مسأله مطرح می‌کند. آن‌ها با رد دیدگاه‌های افراطی جبرگرایانه و تقویض محور، تأکید دارند که انسان در اعمال خود مختار است، اما این اختیار در چارچوب اراده و حکمت الهی معنا پیدا می‌کند. این دیدگاه، که بر مبنای روایات امامان (ع) شکل گرفته، یکی از اصول کلامی امامیه است که توسط محدثان اهوازی به‌خوبی ترویج و تدوین شده است.

مهدویت و مسائل مرتبط با آن

مهدویت یکی از مسائل اساسی اعتقادی شیعه است که بر ظهور امام عصر (عج) به عنوان منجی بشریت و برقراری عدالت تأکید دارد. در دوران‌های مختلف، برخی گروه‌ها و فرق تلاش کردند تا این مفهوم را به نفع خود مصادره کنند و حتی با جعل روایات و معرفی افراد خاص، آن را تحریف نمایند. اما عالمان امامیه، با اتکا به اصولی مشخص و شناخت دقیق روایات، تلاش کردند تا روایات جعلی در این زمینه را شناسایی و روایات صحیح معصومین (ع) را مستند سازند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۲۵).

از جمله مسائل مرتبط با مهدویت، اعتقاد به خالی نبودن زمین از حجت الهی

پیامبر اکرم (ص) از پیروان قائم به عنوان بهترین افراد امت یاد کرده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱: ۲۸۶). همچنین در نمونه ای دیگر، در روایتی از امام باقر (ع) چنین آمده است: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَا يَقُومُ الْقَائِمُ وَلَا أَحَدٌ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، النص: ۱۷۱). در این روایت که نام علی بن مهزیار اهوازی در سلسله راویان آن دیده می شود، امام باقر (ع) ضمن اشاره به غیبت صغری و غیبت کبری امام زمان (ع)، از ایشان با عنوان «قائم» یاد نموده اند.

نشانه های ظهور نیز در روایات اهوازی به طور گسترده مطرح شده است. این نشانه ها شامل خروج یمانی، صیحه آسمانی و فرورفتن زمین در بیداء به عنوان علائم قطعی و رویدادهایی مانند مرگ و میر گسترده و خورشید گرفتگی به عنوان نشانه های غیر قطعی می باشد. به عنوان مثال، در گزارشی علی بن مهزیار در نامه ای به امام هادی (ع)، در خصوص فرج و سختی های دوران غیبت سؤال کرده که بیانگر فشارهای عباسیان و مشکلات شیعیان در آن دوران است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۲: ۳۸۰). همچنین در نمونه ای قابل توجهی در این خصوص از علی بن

است. در روایتی که نام حسین بن سعید اهوازی در سلسله راویان آن دیده می شود و در باب «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ» الکافی آمده است، امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَادِلٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۷۸). در روایت دیگری که حسین بن سعید، علی بن مهزیار و ابراهیم بن مهزیار از راویان آن هستند، امام صادق (ع) قوام زمین را به حضور حجت الهی وابسته دانسته و بیان می دارند که اگر حجت خداوند بر زمین نباشد، زمین دچار فروپاشی می شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱: ۲۰۲).^۱

مسأله غیبت امام زمان (عج) نیز در این روایات مورد توجه قرار گرفته است. امام صادق (ع) در روایتی که فضالہ بن ایوب آن را نقل کرده، شرایط غیبت حجت الهی را با غیبت حضرت یوسف (ع) مقایسه کرده و به ناشناخته بودن ایشان در میان مردم اشاره نموده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۲: ۳۴۱). همچنین در روایات، از تعبیر «قائم» به جای «مهدی» استفاده شده تا با انحرافات سایر فرق اسلامی تمایز یابد. فضالہ بن ایوب و حسین بن سعید از امام باقر (ع) نقل کرده اند که

۱ برای مشاهده نمونه های بیشتر نک: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، صفحات ۱۴۴، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۲۲ و ۲۳۳

ابراهیم بن مهزیار، هنگامی که او از سوی یونس بن شاذان در خصوص موضوع آل ابی محمد مورد سؤال قرار می‌گیرد، علی بن ابراهیم بن مهزیار در یک روایت طولانی و معروف، ضمن بیان دیدار خود با حضرت ولیعصر (عج) در مکه و مطالب مرتبط با آن، تعدادی از علانم و نشانه‌های ظهور از سوی حضرت ذکر شده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، النص: ۲۶۳).

نتیجه‌گیری

حوزه حدیثی اهواز در قرون نخستین اسلام، به‌عنوان یکی از مراکز مهم انتقال و گسترش معارف امامیه، نقش مهمی در تدوین، حفظ و تبیین احادیث و مباحث کلامی ایفا کرد. موقعیت جغرافیایی ویژه این شهر، که در مسیر ارتباطی ایران و عراق و در نزدیکی مراکز علمی بزرگی چون کوفه و بصره قرار داشت، زمینه‌ساز تعامل گسترده علمای اهوازی با سایر حوزه‌های علمی شیعه شد و موجب گردید این منطقه به یکی از مراکز حدیثی و کلامی شیعه تبدیل شود.

در بعد حدیثی، علمای این حوزه با گردآوری، تدوین و مکتوب‌سازی احادیث، به حفظ تراث امامیه کمک شایانی کردند. نگارش کتب جامع حدیثی همچون «کتب ثلاثین» و تلاش برای ثبت نظام‌مند

احادیث، از جمله اقدامات مؤثر آنان در راستای استنادپذیری و انتقال دقیق میراث حدیثی بود.

با این حال، برجسته‌ترین ویژگی حوزه حدیثی اهواز، نقش آن در تبیین و دفاع از مبانی کلامی امامیه است. علمای این منطقه در برابر جریان‌های فکری انحرافی همچون غلو، جبرگرایی، تفویض، تشبیه و تجسیم، به‌شدت ایستادگی کرده و با استناد به روایات امامان (ع)، به تقویت بنیان‌های اعتقادی شیعه پرداختند. علمای اهوازی در مواجهه با غلو، به‌شدت با جریان‌های غالی مقابله کرده و عقاید آنان را در آثار خود نقد و رد کردند. آنان با پذیرش نظریه «امر بین الامرین»، جبر مطلق و اختیار مطلق را رد کردند؛ در بحث علم امام، بر وراثت علمی لئمه (ع) از پیامبر (ص) و استمرار این دانش از طریق وحی غیرنبوتی و الهام تأکید داشتند؛ و در موضوع عصمت و سهو النبی، ضمن پذیرش امکان سهو در امور غیرتشریعی، بر عصمت مطلق پیامبر (ص) در دریافت وحی الهی تأکید ورزیدند. همچنین، در برابر اندیشه‌های مشبهه و مجسمه، آموزه‌های توحیدی امامیه را تقویت کرده و هرگونه تشبیه خداوند به مخلوقات را مردود دانستند. در حوزه مهدویت نیز، به تبیین جایگاه امام

زمان (عج)، استمرار حجت الهی، و ویژگی های دوران غیبت و ظهور پرداختند. در مجموع، حوزه حدیثی اهواز، با بهره گیری از موقعیت استراتژیک جغرافیایی، نوآوری در تدوین حدیث و تعمیق مباحث کلامی، به یکی از ارکان مهم در حفظ، انتقال و گسترش معارف

امامیه تبدیل شد؛ به گونه ای که ضمن حفظ اصالت آموزه های امامیه، در برابر انحرافات عقیدتی ایستادگی کرده و به تقویت مبانی فکری شیعه در قرون نخستین اسلام کمک نمود و تأثیر عمیقی بر تفکر شیعی در این دوران بر جای گذاشت.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه / رساله: این مقاله برگرفته از رساله / پایان نامه نمی باشد.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة. بی جا، چاپ پنجم.
- _____ (۱۳۸۵ش). علل الشرائع. قم: نشر کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا(ع). تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. تهران: نشر اسلامی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (تحقیق: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳ق). تحف العقول (تحقیق: علی اکبر غفاری). قم: نشر جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۹۳ش). سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه(ع). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ دوم.
- حاجی زاده، یدالله. (۱۳۹۴ش). غالیان و شیوه های برخورد امامان معصوم با ایشان. قم: نشر معارف.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل بیت(ع).
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة. بی جا، چاپ پنجم.
- رازی، ابوحاتم. (۱۳۹۶ش). گرایش ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (ترجمه: علی آقائوری). قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ سوم.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص) (تصحیح: محسن کوچه باغی). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج (تحقیق: محمدباقر خراسان). مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۲ش). تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك) (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة/ کتاب الغيبة للمحجة (تحقیق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح). قم: دار المعارف الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (تحقیق: حسن الموسوی خراسان). تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی (تحقیق: جواد قیومی اصفهانی). قم:

- مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۰۹ق). رجال الکشی - میانجی، علی احمد. (۱۴۳۱ق). مکاتیب الأئمة (تحقیق: مجتبی فرجی). قم: انتشارات دارالحديث، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (تحقیق: عبدالعزيز طباطبائی). قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دار الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم.
- گرامی، سید محمدهادی. (۱۳۹۱ش). نخستین مناسبات فکری تشیع. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مدرسی طباطبائی، حسین. (۱۳۸۶ش). مکتب در فرآیند تکامل (ترجمه: هاشم ایزدپناه). تهران: انتشارات کویر.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۹ش). تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم. تهران: انتشارات اشراقی، چاپ ششم.
- مشکور، محمدجواد؛ مدیر شانه چی، کاظم. (۱۳۷۵ش). فرهنگ فرق اسلامی. حمیدی منش، برات الله. (۱۳۹۸). نقش خاندان مهزیار اهوازی در حیات فرهنگی و اجتماعی شیعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
- طباطبائی، سیدکاظم؛ رضاداد، علیه. (۱۳۸۸). جامع نویسان پیش از کلینی. علوم حدیث. سال ۱۴(۱): ۹-۳۵.
- کرباسچی، محمدمهدی؛ حری رضایی، گیتا. (۱۳۹۵). بررسی نامه امام هادی (ع) به اهالی اهواز از دیدگاه روش شناسی کلامی. فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سقینه. سال ۱۴(۵۳): ۳۲-۶۵.
- معارف، مجید؛ کاظم توری، سعیده. (۱۴۰۰). مکتوبه های حدیثی در روایات امامان شیعه و نقش علی بن مهزیار در

نگهداری و انتقال آن‌ها. دوفصلنامه علمی

حدیث پژوهی. سال ۱۳(۲۵): ۷۴-۵۵.

- ندائی، مهدی؛ هدایت‌پناه، محمدرضا.

(۱۴۰۰). مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه

آن در جامع‌نگاری فقه امامیه در سده دوم و

سوم. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث.

سال ۲۷(۶۹): ۱۷۲-۱۵۲.

- هدایت‌پناه، محمدرضا. (۱۳۹۶). مواجهه

حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی و تبیین

اعتقادات شیعی در دوران ابن‌الرضا(ع).

دوفصلنامه علمی-ترویجی سخن تاریخ.

سال ۱۱(۲۶): ۲۴۸-۲۲۱.

- هدایت‌پناه، محمدرضا؛ خانجانی،

محمدرضا. (۱۳۹۵). مناسبات فکری دو

حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرن‌های

دوم و سوم هجری. فصلنامه علمی پژوهشی

تاریخ اسلام. سال ۱۷(۴): ۵۱-۷.